



Photo: Rouhollah Kalantari

FARS NEWS AGENCY

سبک زندگی روز به روز از فرهنگ دینی دور می‌شود/ شاهد نبرد سبک‌ها هستیم

سبک زندگی به جای اینکه روز به روز به فرهنگ دینی ما نزدیک شود، در حال دور شدن است. نحوه رفتار ما باید متناسب با فرهنگ اسلامی باشد اما در عمل اینگونه نیست. چرا این اتفاق افتاده است؟ به این دلیل که اکنون در حال نبرد سبک‌ها هستیم.

سبک زندگی به جای اینکه روز به روز به فرهنگ دینی ما نزدیک شود، در حال دور شدن است. نحوه رفتار ما باید متناسب با فرهنگ اسلامی باشد اما در عمل اینگونه نیست. چرا این اتفاق افتاده است؟ به این دلیل که اکنون در حال نبرد سبک‌ها هستیم.

خبرگزاری فارس - رحمت رضانی: شاید مهمترین و راهبردی‌ترین فراز سخنان رهبر انقلاب اسلامی در استان خراسان شمالی، طرح شاخصه‌های «سبک زندگی اسلامی» و «سبک زندگی غربی» از سوی ایشان باشد. مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند عوامل متعددی به وجود آمده است که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند.

با توجه به اهمیت این بحث، میزگردی با حضور حجت‌الاسلام علیرضا پیروزمند قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی قم و حجت‌الاسلام رضا برنجکار عضو هیئت علمی دانشگاه تهران برگزار کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

فارس: مفهوم سبک زندگی چیست؟ چرا در این مقطع زمانی مطرح شده یا اهمیت پیدا کرده است؟

حجت‌الاسلام پیروزمند: سبک زندگی بر طیفی از رفتار اجتماعی دلالت می‌کند که دارای انسجام است و به مفهوم سبک زندگی از آن یاد می‌کنیم. وقتی از سبک صحبت می‌کنیم به طور مثال از سبک رفتار خانوادگی سخن می‌گوییم که نوع مراوده والدین با همدیگر و یا فرزند را نشان می‌دهد که سبک زندگی خانواده را مشخص می‌کند. به گزینه رفتاری انسان «سبک» اطلاق نمی‌شود، منظور سبک مجموعه رفتار انسان است. با توجه به مشاهده سبک رفتاری انسان مشاهده‌گر یا ناظر بیرونی به استنتاجی از سبک زندگی فرد می‌توان رسید.

سبک زندگی تنوع دارد سبک زندگی عرض و طول زندگی مردم را در بر می‌گیرد زمانی که همه عرض و طول زندگی را فرا بگیرد اهداف، منویات و تمایلات مردم را تامین می‌کند، پس از آن می‌تواند سبک زندگی ایده‌آل را برای بشریت به ارمغان آورد.

* سبک زندگی، لایه نرم تمدن است

بنابراین زمانی که صحبت از سبک زندگی می‌کنیم مواجه تمدنی عام غرب نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد که به نوعی اهمیت مسئله را مشخص می‌کند به بیان کاملتر سبک زندگی، لایه نرم تمدن است. اگر تمدن را نمادها، نمودها و ساختارهای که انسان ایجاد کرده است به شمار آوریم اگر فردی در حوزه تمدنی اسلامی نیازهای خود را بر طرف شده ببیند این نمادهای عینی مبتنی بر سبک‌های دینی است. حزب یک کالبد و نماد است اما سبک فراتر از حزب است. حزب به معنای تعیین مشارکت مردمی است، حزب بر اساس سبک موجودیت پیدا می‌کند بنابراین در سبک دیگری ممکن است موجودیت پیدا نکند.

بنابراین کالبدها و قالب‌ها تحت تأثیر سبک هستند. نوع رفتار سیاسی و اقتصادی که قالب و نظام پیدا می‌کند، توجیه‌گر سبک هستند. تحقق تمدن نیاز به ساختمان، تلویزیون و ماهواره دارد که نمود عینی تمدن می‌شود.

* موضوعیت اصلی با سبک نیست بلکه با فرهنگ است

سبک‌ها لایه نرم تمدن محسوب می‌شوند و موضوعیت اصلی ندارند اما فرهنگ موضوعیت اصلی دارد، آرمان‌هایی انسان اصل است تا ادب، شجاعت، فضایل انسانی و خداآوری را تجلی دهد. پرسش بعدی این است که منظومه معرفتی و فرهنگی را در قالب چه سبک‌های می‌توانیم جامعه عمل بپوشانیم؟

سبک‌ها، نظامی از معرفت را تشکیل می‌دهند و مانند چتری فرهنگ زندگی را در بر می‌گیرند. بعد از تشکیل چتر فرهنگ، تمدنی ایجاد

می‌شود که این تمدن در مواجهه، تضاد تمدنی با سبک‌های فرهنگی غرب قرار می‌گیرند. به این ترتیب سطوحی از مبارزه در مواجهه با فرهنگ مادی شکل می‌گیرد که سردمدار آن، سرمایه‌داری است و سبک‌ها را با الگوی پیشرفت اسلامی می‌توان بازتعریف کرد.

سبک زندگی ما روز به روز در حال دور شدن از فرهنگ دینی است

حجت‌الاسلام برنجکار: سبک به صورت توأمان نشان‌دهنده ظاهر و باطن است. سبک‌ها ظاهر زندگی است که بر اساس باورهای فرهنگی شکل می‌گیرد، فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قانون‌ها و باورهاست. به عبارت دیگر بر اساس دین، فرهنگ دینی شکل می‌گیرد بر اساس دین یا مکاتب بشری مانند مارکسیسم، لیبرالیسم و الحاد سبکی از زندگی شکل می‌گیرد.

اما قسمت دوم پرسش شما که چرا در این زمان این بحث مطرح می‌شود؟ باید بگویم ما می‌دانیم سبک زندگی به جای اینکه روز به روز به فرهنگ دینی ما نزدیک شود، در حال دور شدن است. آداب و معاشرت، رفت و آمدها، حتی در سخن گفتن‌هایمان و اصطلاح‌هایی که به کار می‌بریم باید متناسب با فرهنگ اسلامی باشد اما در عمل می‌بینیم اینگونه نیست.

اکنون شاهد نبرد سبک‌ها هستیم

چرا این اتفاق افتاده است؟ به این دلیل که اکنون در حال نبرد سبک‌ها هستیم! غربی‌ها سبک زندگی خود را می‌سازند، منتها دیگران همیشه نمی‌آیند اساس مبانی و مبادی سبک زندگی را بسازند برای اینکه زمانی که سبک زندگی تغییر پیدا کرد فرهنگ هم عوض می‌شود.

نوع لباس بر اخلاق انسان تأثیر می‌گذارد، ظاهر جوانان ما را نگاه کنید! نوع محاسنی که جوانان می‌گذارند بر اساس الگوی غربی است و مدسازی شده.

مقام معظم رهبری قصد دارد با طرح سبک زندگی این نگاه را تقویت کند تا فرهنگ اسلامی ترویج شود، ما که اسلام و فرهنگ دینی را قبول داریم پس چرا سبک زندگی ما غربی شده است؟! به عنوان نمونه، پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف یک فرهنگ اسلامی است و اسراف نکردن باید در سبک زندگی ما مشخص شود.

* سبک زندگی، سبک واحدی نیست

سبک زندگی سبک واحدی نیست، کارمند در زندگی کارمندی، راننده در رانندگی هرکدام سبک خاص خود را دارند ما فقط کلیات را مشخص می‌کنیم به عبارت دیگر سبک جزئی شده کلیات است که ملموس است. برای طراحی سبک زندگی باید آخر خط را مشخص کنیم به عنوان مثال ما مدل‌های لباس را تعریف و مشخص نمی‌کنیم تا سبک شود واقعاً باید آخر خط را مشخص کنیم.

حجت‌الاسلام پیروزمند: نکته‌ای باید در تکمیل سخنان درست دکتر برنجکار عرض کنم، تأثیرپذیری فرهنگ از سبک‌ها زنجیره‌ای است. آنچه در 150 سال اخیر در جامعه از زمان قاجار و ورود فرهنگ غرب در جامعه ما رخ داده است آغاز تغییرات فرهنگی به صورت سبک هم نبود، ورود غرب با محصول شروع شده بود که از سبک هم قدمی نمودی‌تر بود.

نخستین محصولات غرب در جامعه ما مانند ماشین، کارخانه و لباس آمد و وقتی این محصولات در جامعه وارد شد کم‌کم ذائقه را نیز تغییر داد، وقتی که ذائقه تغییر کرد سبک‌ها خودشان را به جامعه تحمیل کردند. تا به شهرنشینی و کلان‌شهرهای با تغییرات اختاپوسی رسیدیم با این روش مدرنیته و سبک زندگی غربی الزامات خود را به جامعه به تدریج تحمیل کردند. اخلاق را تعبیر دادند و حالا وقتی قصد داریم فرایند معکوس داشته باشیم باید این توجه را داشته باشیم که یک نوع لباس خاصی را می‌پوشیم فقط یک نوع لباس خاص نیست.

در خصوص سوال دوم شما؛ با نظامی از سبک‌ها روبه‌رو هستیم، به همین علت مطالعه سبک در مقیاس‌های مختلفی از جمله در مقیاس فردی و تکامل اجتماعی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. مطالعه سبک در مقیاس فردی از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که من به عنوان فرد چگونه باید رفتار کنم؟ نوع مد و چگونگی رانندگی کردن در مقیاس اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. سبک در مقام تکامل اجتماعی سبک‌ها را در موازنه بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهد.

* نقش خانواده در شکل‌دهی به آینده فرزند کمرنگ شده است

توجه و تفکیک ارتباط متقابل در ابعاد مختلف سبک امر لازمی است که مشارکت ما را تأثیرگذارتر می‌کند، نظام سبک‌ها در سه محور و لایه می‌توان از هم تفکیک کرد: نخست سبک‌هایی مربوط به خانواده و رفتار خانواده است؛ سبک دوم در قالب رفتار سازمانی و صنفی خودش را نشان می‌دهد و سبک سوم رفتار اجتماعی است، جایی که سازمان و اصناف در مواجهه با هم در یک موضوع بزرگتری مشارکت می‌کنند.

در خانواده که روشن است به عبارت دیگر رفتار فرد قاعدتاً در قالب خانواده، محیط کسب و کار تجلی پیدا می‌کند یا در قالب جامعه و میدان باز مشارکت اجتماعی تجلی می‌کند. امروزه شاهد هستیم نقش خانواده در آینده فرزند و تعیین فردی که با او ازدواج می‌کند کمرنگ شده است و همزمان ارتباطات مجازی در حال تعیین‌کنندگی است.

سبک کسب و کار چگونه است؟ رفتار فرهنگ سازمانی که در سازمان‌های ما شکل می‌گیرد چه نوع رفتاری است؟ به طور مثال آیا در سازمان‌های ما همگرایی، مسئولیت‌پذیری و انضباط اجتماعی رخ می‌دهد یا اینکه تفرج گرایی، کم‌کاری، بی‌انضباطی و مسئولیت‌گریزی اتفاق می‌افتد؟

یک لایه دیگر سبک زندگی در مقیاس بالاتر است که بحث نظام فرهنگی و نظام اقتصادی است.

* نیاز امروز ما الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است

در مقیاس معماری اجتماعی سبک زندگی تمدن اسلامی قابل مقایسه با تمدن رقیب است، در این مقیاس سبک زندگی نظامات سیاسی و فرهنگی وجود دارد که می‌تواند در مواجهه با تمدن غربی قرار گیرد. آنچه ما بدان نیاز داریم الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی است که در درون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید تعریف شود.

این بحث که ارتباط سبک‌های اجتماعی باید چگونه باشد؟ تا سبک‌های دیگر زندگی چگونه باشد؟ آیا اینکه سبک خانواده و با سبک‌های دیگر مانند سبک کسب و کار باید همدیگر را تأیید کنند؟

به طور مثال اگر خانواده نگاه ارزشی و مذهبی داشته باشد اما جامعه در فرآیند سبک زندگی پیشرفت غربی قرار بگیرد خانواده مذهبی در سطح اجتماعی در انزوا قرار می‌گیرد.

برعکس اگر توانسته‌ایم فرهنگ سیاسی اجتماعی را از طریق جهانی تثبیت کنیم، ارزش‌های اسلامی در بنیاد خانواده افزون می‌شود تا افرادی که در خانواده مذهبی تربیت می‌شدند بتوانند با توجه به تربیت اسلامی مسئله اجتماعی خود را در خدمت پیشرفت قرار بدهند.

بنابراین عرصه این است باید نظام سبک‌ها را براساس الگوی پیشرفت طراحی کنیم و فرهنگ اسلام را در منطقی دیده و سبک‌ها را به صورت منظومه و مرتبط تعریف کنیم.

* هیچ دو نفری نیستند که سبک زندگی واحدی داشته باشند

فارس: در سبک زندگی غربی الگوهای غربی هنرمندان، بازیگران سینما، اهالی موسیقی، نقاشان و سیاستمداران هستند برای سبک زندگی اسلامی چه الگوهایی باید مطرح شوند؟ چگونه با الگوی سبک زندگی ترویج شود؟

حجت‌الاسلام برنجکار: به نظرم در بحث طراحی سبک زندگی با بحث ترویج سبک زندگی باید جدا کرد، من گفتم در بحث اجرای سبک زندگی غربی‌ها از آخر شروع می‌کنند در طراحی باید از مبادی شروع کرد.

سه مکتب در رابطه با فرد و جامعه وجود دارد: مکاتب فردی را اگزیستانسیالیسم طرفداری می‌کنند، مکاتب اصالت جامعه را مارکسیست‌ها طرفداری می‌کنند و مکاتب بینابینی را اسلام طرفداری می‌کند.

مکاتب فردگرا مانند اگزیستانسیالیسم بر این اعتقاد هستند که انسان‌ها آزادند با توجه به اعتقادات خود زندگی می‌کنند، جامعه برابر با فرد فرد جامعه است. با توجه به جامعه به این نتیجه می‌رسید هیچ دو نفری نیستند که سبک واحدی داشته باشند.

سبک هر نفر دنیای خاص خود را دارد اما مکاتب مارکسیستی اصالت را به جامعه می‌دهند و بر این اعتقاد هستند که همه باید مطابق آرمان ماتریالیستی زندگی کنند. در اسلام به آزادی و اختیار انسان‌ها احترام می‌گذارند اما جامعه هم مجموعه افراد نیست، سبک اجتماعی هم درست می‌کند و به ارتباط دو سویه فرد و جامعه قائل است.

* &171#علوم انسانی» واسطه دین، فرهنگ و سبک زندگی است

در این میان باید به نقش علوم انسانی توجه کرد در واقع علوم انسانی رفتار اجتماعی و سبک ایجاد می‌کند، زندگی اجتماعی ترسیم می‌کند. علوم انسانی واسطه دین و فرهنگ و سبک زندگی است. البته در اینجا دین را به معنای عام فرض می‌گیرم؛ لیبرالیسم، سکولاریسم را هم دین محسوب می‌کنیم.

سبک زندگی در نوع رفتار انسان تأثیر دارد، علوم غربی جنبه تمدن‌سازی و سخت‌افزاری است. اصل، علوم انسانی است که سبک زندگی اجتماعی را ترسیم می‌کند و سبک فردی مشخص می‌شود. اسلام، عقاید، رفتار و سبک زندگی ما را درست می‌کند به زندگی معنا می‌بخشد.

یکی از اهداف کلی انسان، سبک زندگی است؛ این احکام تا تبدیل به سبک نشود زندگی‌بخش نیست. اسراف حرام است و باید حرام بودن اسراف به شکل سبک بودن استخراج شود. مثلاً برای یک مهمان سه نوع غذا درست می‌کنیم، این اسراف است اما متأسفانه سبک می‌شود! اگر علوم انسانی ما اسلامی باشد، می‌توانیم سبک زندگی اسلامی ارائه دهیم.

* بیشترین رخنه فرهنگ غربی در سبک زندگی ایرانیان در حوزه خانواده است

فارس: در مواجهه سبک زندگی اسلامی و غربی باید از کجا آغاز کنیم؟ نقطه قانونی مواجهه ما با سبک زندگی کجاست؟

حجت‌الاسلام پیروزمند: می‌توانیم در تکامل اجتماعی و تاریخی و تمدنی بحث را ساحت‌بندی کنیم، ساحت اجتماعی ضروریات جامعه است و در حال حاضر بیشترین رخنه فرهنگ غربی در سبک زندگی ایرانیان در حوزه خانواده ایجاد شده است. ما در این زمینه بیشترین ضعف را داریم رفتار خانوادگی ما مطابق سبک زندگی در غرب شده است.

نظام سرمایه‌داری همچنان نسبت به نظام مدیریتی که اسلام به عنوان نظام کارآمد پیشنهاد می‌کند مقاومت می‌کند، نسبت الگوی توسعه اسلامی مقاومت می‌کند ولی آنجا که کوس رسوایی غرب نواخته شده در روابط جنسی و روابط خانوادگی است؛ همجنس‌گرایی در کشورهای غربی قانونی می‌شود و روز به روز شاهد فضاحت‌هایی از این جنس هستیم.

به صورت سنتی، سبک قابل دفاع و روشنی در سبک زندگی خانوادگی داریم حتی اگر قرار به اصلاح و بازسازی سبک زندگی خانوادگی داشته باشیم ایجاد کردن سبک زندگی خانوادگی با توجه به منابع دینی آسان‌تر است.

برای اصلاح سبک‌ها باید یک حرکت از بالا را شروع کرد که همان الگوی پیشرفت است؛ لایه نرم الگوی پیشرفت سبک زندگی است.

* در قسمت‌هایی که نقد می‌کنیم باید جایگزین را هم اعلام کنیم

حجت‌الاسلام برنجکار: برای اینکه سطح کلان کار در عرصه‌های گوناگون مشخص شود، مسیری طولانی در پیش داریم که همان طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

باید برای الگوهای فردی و اجتماعات کوچک و مکان‌های مشخصی مانند دانشگاه، اداره و ... سبک طراحی کنیم. این کاری است که در بین علمای ما در گذشته نیز وجود داشته است. قبلاً شهید ثانی آداب تعلیم و تربیت را نوشته است؛ «؛آداب متعلمین» که سبک تعامل طلبه و استاد را مشخص می‌کند. آیا در دانشگاه چنین کرده‌ایم که فلان کار با آموزه دینی نمی‌سازد؟! در قسمت‌های که نقد می‌کنیم باید جایگزین را هم اعلام کنیم.

در گذشته زندگی پیچیده نبود، علما و روحانیون بالای منبر سبک زندگی را توضیح می‌دادند رفتاری را نقد می‌کردند و رفتار مثبت را مطرح می‌کنند. اما امروزه بحث اصلی «؛تحول در علوم انسانی» است.

می‌توانیم برای ارائه سبک زندگی رفتارهایی که سبک زندگی را می‌سازد اعلام کنیم. سبک زندگی، نظام رفتار زندگی است! باید رفتارهای موجود بر اساس آموزه‌های اسلامی، نقد و جایگزین را اعلام کنیم تا نظام هماهنگ شود.